

باختر امروز

« جریده باختر امروز »

نشرة

مناظرات الجبهة الوطنية الايرانية

في الشرق الاوسط

العدد الثامن والثلاثون

السنة الثالثة

نيسان ۱۹۷۲

المرحلة الرابعة

امپریالیسم برای تشدید آهنگ بهره کشی نقشه
میرزد و خلقها برای رهائی خویش بپا میخیزند .
برنده نهائی نیروی است که لایزال است و در جهت
تکامل تاریخ حرکت میکند ، و آن نیرو ، نیروی خلق
هاست .

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
« بخش خاورمیانه »

شماره ۲۸ - سال سوم

دوره چهارم

نیمه اول اردیبهشت - ۱۳۵۲

خورده امپریالیسم

امپریالیسم برخی از کشورها را به درجه دستگیری وابسته خود میکمارد تا با

کمک آنها آهنگ استثمار خلقها را تشدید نماید .

خوانمیش درآیند . بوجد آوردن چنین وضعی
که صرفا بر مبنای احتیاجات امپریالیسم است ، در
جامعه نومستعمره فقط باعث تمتع بورژوازی و لایه
هائی از خرده بورژوازی میشود . این طرح ماهیتا
بجز در مورد کشورهای انگشتشماری قابل اجرا
نیست . شاید سه کشور را بتوان بطور عمده در
این باب گنجانید : ایران ، برزیل ، کره جنوبی .
البته لازم بتذکر نیست که قصد و غرض
امپریالیسم و صرف وجود طرح ، ضامن اجرای آن
نیست و در اینجا نیز غرض این نیست که نشان
دهیم ایران دقیقا در چه مرحله خاصی از این
طرح قرار گرفته و آیا اصولا تا چه حد امکان پیشرفت
آن وجود دارد . در اینجا بررسی طرح و شناخت
آن است برای مبارزه علیه امکان موفقیت آن .
خرده امپریالیسم مرحله تشکل مانو بولی ها

و سرمایه مالی در کشورهای سرمایه داری وابسته
است . همانطور که رشد اقتصاد سرمایه داری در
شرایط وابستگی موجود ناقص الخلقه ای بیار می آورد
که مستقلا به مرحله رشد سرمایه داری رسیده اند ،
که تفاوت های اساسی با انواعی دارد
رسیدن این سرمایه داری وابسته به مرحله پیشرفته
تر خود همان چیزی میشود که خرده امپریالیسم
مینامیم . همانطور که در متن مقاله آمد ، کشور
سرمایه دار وابسته برای رسیدن به این مرحله به
کمک مستقیم امپریالیسم نیاز دارد و این امپریالیسم
است که با در نظر گرفتن منافع اقتصادی و سیاسی
و نظامی خود اجازه گذار باین مرحله را به
کشورهای خاصی میدهد .

البته باید در نظر داشت که قضیه دو جنبه
دارد . یکی طرح و غرض امپریالیسم است ،
و دیگری مقاومت و مبارزه ای که علیه آن میشود .
پیروزی یا شکست از پیش تعیین نشده است
و گذار باین مرحله بر خلاف نوع کلاسیک سرمایه داری
بخاطر ماهیت وابسته بودن ، مرخص بودن و احتیاج
به کمک خارجی دائمی داشتن ، اجتناب فابریسر
نیست . بشرطی که مبارزات خلق ها حدت و شدت
و تداوم کافی را بیاید ، نظام سرمایه داری وابسته
نه تنها قادر به رسیدن به این مرحله نیست ، بلکه
با از دست دادن یکی از عوامل اساسی حیات خود ،
که ثبات سیاسی برای جلب کمک های خارجی است
بقیه در صفحه ۲

کشورهای که تحت تسلط استعمار نو هستند ،
قوای نظامی امپریالیسم بدون درنگ ، با یا بدون
بهبانه ، حمله ور میشوند و در قضای و جنایت
روی لژیون های خارجی و ارتش های استعماری
کهن را سفید میکنند .
در این مختصر قصد برخورد به همه علل
و موجبات اقتصادی و نظامی ظهور استعمار
نو و بررسی روابط آن با طبقات واقشار کشور
نومستعمره نیست . غرض در اینجا گزارش بعضی
از و قایمی است که اتفاق افتاده و طرح هائمی
که امپریالیسم در این زمینه تدارک دیده است

بهره کشی امپریالیسم از کشورهای نو مستعمره
میتواند عمدتا بصورت چپاول منابع طبیعی ، فروش
کالا و بهره کشی از نیروی کار ارزان زحمتکششان
جامعه باشد . در اکثر موارد همه عناصر فوق با
نسبت های متفاوت وجود دارند . امپریالیسم که
بنابر ماهیت خود در پی ازدیاد میزان بهره برداری
است ، سعی میکند که در جامعه مورد نظر تغییراتی
بوجود آورد که امکان استفاده از شیوه های
دیگر نیز بوجود آید . برای مثال مبینیم که در ایران
امپریالیسم که در ابتدا بصورت عمده غارتگر منابع
طبیعی بود ، بصورت فروشنده کالاها نیز در آمد
و با اجرای طرح هائی منجمله انقلاب سفید ، بازار
کالاهایش را توسعه داد و سپس با ایجاد صنایعی
چند مستقما از نیروی کار ارزان کارگران ایرانی
شروع به بهره کشی نمود . این سه نوع بهره برداری
در مورد اکثر کشورهای نومستعمره به میزان و حدود
متفاوت وجود دارد . ولی طرح جدیدی که
امپریالیسم برای اجرا در پاره ای از کشورها ریخته
است ، طرحی است مبنی بر ارتقاء مقام پاره ای از
این کشور ها به درجه دستگیری محلی دست

نشانده و گذاشتن امکاناتی در اختیار آنان تا

آن حدکه منافع و مقاصد امپریالیسم را بر آورده کند

بعبارت دیگر اجازه رشد محدود در جهت خاص به

چند کشور معدود ، تا حدی که با حفظ حالت

نومستعمره ای خود ، بصورت موجودیتی که ، خرده

امپریالیست « یا « جوجه امپریالیست » می

با آنکه عوامل و عناصر متعدد محاسبات و طرح
های امپریالیستی در مورد ایران از قبل دانسته
شده بود و ما نیز در مقاله های گذشته به آنها
اشاره کرده ایم ، معینا اکنون باید بمناسبت
رویدادهای اخیر در زمینه های اقتصادی و نظامی ،
ابعاد واقعی هر یک از عوامل و عناصر فوق را
مجددا اندازه گیری کنیم و به هر یک ارزشی
تراخور قدر واقعی آنها بدهیم . نشان دهیم که
از بین همه کشورهای جهان چرا ایران به عنوان
مشتري ۳ بلیون دولاری اسلحه درمی آید ، چرا
کسانی های نفتی قرارداد ۱۹۵۴ را خودشان لغو
میکند ، (و یا قول مطبوعات ایران ، پیشنهاد دوم
آرامبر ، را مشتاقانه میپذیرند) . باید بینیم
امپریالیسم چه خواهی برای مردم ایران و منطقه
دیده و تا چه حد در برنامه های خود پیش رفته
و نقشه های آینه اش چیست . آنها در پرتو این
بررسی هاست که میتوانیم با دیدی واقعیتنا
در جهت روشن کردن خطوط عمده مبارزه علیه
سئاس امپریالیسم و ارتجاع بکوشیم .

بعنوان مقدمه قبل از ورود بحث به یادآوری چند
نکته میپردازیم .

شیوه عمده استعمارنو ، کنترل و تسلط بر
جوامع و کشورهای دیگر با استفاده از قدرت
اقتصادی خود و با به خدمت گرفتن طبقات
واقشاری از جامعه مورد نظر است . این شیوه
که قدرت اقتصادی و سیاسی را در ظاهر جانشین
قدرت نظامی و تحت تسلط مستقیم درآوردن کشور
مورد نظر میکند در اثر یک سلسله رویداد
های اجتناب ناپذیر جهانی و مهمتر از همه رسیدن
سرمایه داری به مرحله امپریالیسم و نیز مقاومت
ندیدی که بسیاری از خلق های جهان در برابر قوای
بگانه نشان میدادند ، بکار گرفته شد . ولی عملا
شان داده شد که هر گاه اقدامات و مانورهای
سیاسی و اقتصادی برندگی کافی را نداشته باشند ،
امپریالیسم لحظه ای هم در بازگشت به شیوه کهن
استفاده خشونت آمیز از قوای نظامی خویش تردید
نکند . مسئله اصلی برای استعمار ، تحت

سلط آوردن یک کشور است ، استفاده از روش

های استعماری کهن یا نو ، مسئله تبعی آن . بهمین

لیل مبینیم که چگونه بمحض قدرت یافتن جنبش
های خلقی در کشورهای نومستعمره ، یعنی

این چپسلفه تو بار که خشونت مهر را با خشونت انقلابی باسخروند

خرده امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

منهدم و نظامی نوین بر بنای ویران شده سرمایه داری نهاده خواهد شد. و باز خواهیم دید که مبارزه طبقات و اقشار خلقی، صرف نظر از اینکه عمدتا شامل کارگرها یا دهقانان و یا خرده بورژوازی باشد، در این مرحله چقدر مهم و حیاتی است و چرا باید مورد حمایت و کمک همه وطنپرستان ضد امپریالیسم قرار گیرد. و بهمین جهت میبینیم که بی اعتنائی یا خصوصتهائی که در امر مبارزات خلق بنا بر سر اتهام مفرضانه و خرده بورژوازی، بودن ماهیت و یا خواست مبارزین میشود نه تنها احمقانه ترین و غرض ورزانه ترین نوع برخورد به مبارزه یک خلق است، نه تنها حاکی از نهایت سفاکت و بی اطلاعی وسطخی بودن اتهام زندگان کودن است، بلکه دقیقا در همان جهتی است که امپریالیسم حاضر است. برای نیل به آن همه امکانات خود را بمیدان آورد. هر اقدامی که امروزه در جهت سکوت و صبر شود، در جهت تسلیم و کمک به اجرای برنامه های امپریالیستی است و بر عکس هر مبارزی از هر طبقه که مانع ورودی برای اجرای این برنامه ها بوجود آورد، دقیقا در جهت جلوگیری از متوقف کردن برنامه های امپریالیستی، جلوگیری از تکامل و لهذا کمک به تلاشی مناسبات سرمایه داری یعنی خواست طبقه کارگر، عمل کرده است. نظام های مانند نظام ایران، اگر رشد نکند میمیرد. چه نه پویائی درونی لازم را برای بقاء دارد و نه اینکه امپریالیسم دلش برای موجود متحضر میسوزد. دلالی که امپریالیسم بر مبنای آنها کشورهای را برای پیاده کردن طرح انتخاب میکند، متعدد است. لنین در امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه داری، اجبار کشورهای امپریالیستی را به صدور سرمایه تشریح کرده و نشان داده است که چگونه این مرحله ناشی از ماهیت سرمایه و بخاطر انباشت هرچه بیشتر ضروری آن است. این سر طبیعتا ناگهانی صورت نمیگیرد. کسانی که بر این حقیقت که هنوز حجم سرمایه گذاری داخلی کشورهای کاپیتالیستی پیش از سرمایه گذاری خارجی آنهاست تکیه میکنند، فراموش میکنند که آنچه مهمتر از حجم مطلق سرمایه گذاری است، آهنگ ازدیاد یا کاهش آن است و در حالیکه آهنگ رشد سرمایه گذاری کشورهای امپریالیستی در کشورهای نو مستعمره بیشتر از آهنگ رشد سرمایه گذاری داخلی آنهاست (چه در خود همان کشور و چه در کشورهای دیگر امپریالیستی) تردیدی نیست که این حرکت در جهت تأیید نظر لنین است. مبعثا امپریالیسم در این مرحله که بر حسب ماهیت خود نیاز به صدور سرمایه میبیند، این عمل را کورکورانه انجام نمیدهد. امپریالیسم میکوشد این عمل را بصورتی و در نقاطی انجام دهد که بزرگترین برد اقتصادی و سیاسی را داشته باشد. بعبارت دیگر نقاط و کشورهای خاصی را، انتخاب میکند. این انتخاب مبنی بر شرایط اقتصادی و سیاسی و موقعیت استراتژیک آن منطقه است. برای این انتخاب، ایران حائز شرایط مناسبی است.

ایران با جمعیت ۳۰ میلیونی خود بزرگترین واحد در منطقه خاورمیانه آسیائی است. کثرت جمعیت و وسعت، در صورتی که سایر شرایط مناسب باشند، عوامل مهمی در میزان امکان جذب سرمایه، بازار داخلی، و در صورت ضرورت استفاده نظامی هستند (کمتر کشوری در خاور میانه امکان بسیج ارتش ۲۰۰۰۰ نفری را دارد) - غنای ایران از جهت منابع طبیعی عامل دیگری در این انتخاب است. نه تنها از نظر منابع طبیعی ایران بسیار غنی است بلکه وجود نفت، با اهمیت روز افزونی که بسا

بحران انرژی پیدا کرده، طبیعی است که توجه همه جانبه امپریالیسم را جلب میکند. غنای ایران از یک جهت دیگر نیز مهم است و آن اینکه بسا سرمایه گذاری آن در انفرآ استروکتور (که بسیار پر خرج و کم در آمد ولی برای توسعه اقتصادی ضروریند مانند جاده سازی و سد سازی و غیره) سرمایه دار داخلی و خارجی را قادر میکند که سرمایه های خود را بروی زمینه هموار شده و بدون هزینه گزاف بریزند و حد اکثر نفع را ببرند. عامل مهم دیگر در انتخاب، پیشرفته تر بودن مناسبات اقتصادی و اجتماعی ایران از بسیاری از کشورهای منطقه و نیز بیشتر بودن تعداد تکنیسین ها و تحصیل کرده هاست (در مقایسه با کشورهای مانند عربستان سعودی و کویت که نفتی سرشار ولی عقب ماندگی همه جانبه شدید دارند، ارجحیت ایران روشن میشود). عامل دیگر موقعیت سوق الجیشی ایران است که کمتر احتیاج به توضیح دارد. مجاورت با شوروی، نزدیکی به کشورهای عربی، تسلط بر خلیج فارس، تسلط بودن بر دریای عمان و بالاخره بگفته شاه و اقیانوس هند، همه ملاحظات مطلوبی هستند. از نظر سیاست خارجی، ایران مسائل عمده لاینحل بصورت تضادهای سابقه دار بسا کشورهای دیگر ندارد که توجه عمده اش معطوف به آنها شود. مسئله اسرائیل برای ایران حدتی را که برای اعراب دارد ندارد خصوصت سابقه دار هند و پاکستان گریه گیر ایران نیست، از جهت شوروی هم ایران در معرض خطری نیست، و از طرف جنوب هم شیخ های وامانده امارات یار و رساور شاهاند.

اینها اهم نکاتی است که ایران را برای امپریالیسم مقبول تر از کشورهای عربی و نیز افغانستان و پاکستان میکند ولی، با قید یک احتیاط، و آن مسئله سیاست داخلی و موضع مردم ایران است.

یک آشنائی مختصر با تاریخ، بدون سقوط در ورطه ناسیونالیسم، نشان میدهد که مردم ایران هیچگاه تسلط خارجی را نپذیرفته اند. این امر نه به علت و سرشت ویژه، ایرانیان است بلکه سوابق تاریخی و سنت های مبارزاتی نسل اندر نسل و نهضت های اخیر ملی، شرایطی را بوجود آورده اند که مردم ایران استقلال را جزء لاینفک زندگی خود میدانند و با فشار و اختناق داخلی و خارجی مبارزه میکنند. در شدیدترین شرایط و در مقابل قهارترین دشمن جنگیده اند. در بسیاری از موارد پیروز شده اند و در پاره ای هم وقتا شکست خورده اند، ولی آنقدر جنگیده اند تا فرصت مناسب را بدست آورده اند. هیچکس - در نه حتی امپریالیسم با همه حماقتش تجربیات ۲۰ سال پیش را فراموش نکرده است. هیچکس موج دیگر مبارزات در سالهای ۳۹-۴۰ را از یاد نبرده و هیچ کوری نیست که حماسه آفرینی خلق را در دو سه سال گذشته نبیند. این فرزندان خلق، این وارثین سنت های انقلابی میهن ما، این پرچم داران نهضت ما، اگر جاب و عطفوت، چند بیکاره پرمده را نکرده اند، پشت شاه و رژیم او را لرزاندند، اینها، این طلاهی داران مبارزه خلق، و آن انبوه خلقی که به حرکت فرایند شده در خواهد آمد، تنها خارهایی هستند که به چشم دشمن فرو میروند، اینها سد های گرانقدری هستند که پشت به آب داده اند، اینها آن، با قید یک احتیاط، هستند.

امپریالیسم برای از بین بردن این خطر کوشش بسیار کرده است ولی با وجود ناتوانی در مقابله با آن بخاطر ضرورت اجتناب ناپذیر ماهیت خود، مجبور شده است که شروع به اجرای طرح خود کند. این ضرورت از هنگام روشن شدن شکست امریکا در ویتنام بیشتر شد و تصمیم به تسریع برنامه ها گرفته شد. این طرح بر روی شالوده طرحی ریخته شد که در ایران با اسم انقلاب سفید عملی شده بود.

علل و موجبات بوجود آوردن انقلاب سفید در ایران و یا طرح های رفورمیستی مشابه در سایر نقاط جهان کمتر احتیاطی به توضیح دارد. جلوگیری از بروز یا تشدید جنبش های ترقیخواهانه و بسط بازار امپریالیسم، انگیزه های عمده این گونه اصلاحات اند. متد اجرای این طرح ها تقدیم نیش و نوش یا هم است. خفقان شدید و کشتار بی امان ترقیخواهان از یک جهت و افسدیم به اجرای یک رشته اصلاحات از جهت دیگر. این طرح در چندین نقطه از جهان تا اندازه زیادی در یکی از هدف های خود (بسط بازار امپریالیستی) و تا اندازه کمتری در هدف دیگر (مقابله با جنبش های مترقی) موفق افتاده است. این توفیق موقتی، هم بخاطر ماهیت خود طرح، و هم به علت عدم آمادگی و آگاهی و تدارک قبلی نیروهای آزادیخواه بود. در مین ما ایران، وقتی که برنامه های انقلاب سفید اعلام میشد، با وجودی که کمتر کسی در ماهیت امپریالیستی آنها تردیدی داشت مبعثا به علت عدم تدارک قبلی تساهل مدتها سردرگمی در نحوه مبارزه با آن وجود داشت که بهترین شاهد آنرا در شعار معروف «اصلاحات ارضی آری، دیکتاتوری شاه نه» میبینیم. که شعار دفاعی و بدون ارائه راه حل و بدون توجه باین حقیقت است که اصلاحات ارضی و دیکتاتوری شاه همان نیش و نوش توام و غیر قابل تفکیکند (نوش بودن! اصلاحات ارضی بطنی است بجای خود). بهر حال انقلاب سفید پیاده شد و اگر اینهمه ابتدال و جنایت و مصیبت جدید برای زحمتکشان وجود آمده نه بخاطر اینست که انقلاب سفید نشده، بلکه درست بخاطر اینست که تمام و کمال شده، انقلاب سفید یعنی همین. آنها که ترجیح میدهند موفقیت پیاده شدن طرح های امپریالیستی را اینستند در حقیقت نشان میدهند که انتظار چیز بهتری را از امپریالیسم داشتند. نمونه کامل این افراد را خود فروشانی نظیر نیکخواه ها و لاشانی ها تشکیل میدهند که «کشف» ناگهانی برنامه های امپریالیستی، بروی زمینه مستعد فردی خود پرست آنها، به پای تلویزیونشان آورد.

انقلاب سفید با بسط نسبی بازار داخلی و تحکیم مناسبات سرمایه داری، زمینه مناسب برای سرمایه گذاری خارجی را فراهم کرد. بخش دولتی سرمایه داخلی، با ازدیاد در آمد نفت (که باعث ازدیاد استخراج بود و نه ازدیاد سهم ایران) زیادتر شد. سرمایه خصوصی که ازدیادش فقط بهره کشی بیشتر و انباشت بیشتر ارزش های اضافی ممکن در ابتدا در وضع نا مناسب تری قرار داشت. تجربیات کشورهای مانند برزیل نشان داده بود که حل تضاد بین توسعه بازار داخلی و انباشت هرچه بیشتر ارزش اضافی، برای کشور نومستعمره بسیار مشکل است توضیح آنکه اگر اجازه ازدیاد مزد کارگران (کمتر شدن میزان بهره کشی) داده شود تا بتوانند بسا درآمد بیشتر اجناس مصرفی استهلاکی بیشتری بخرند، درآمد اقماری از خرده بورژوازی و سرمایه داری متوسط و بزرگ کمتر می شود و لهذا آنها مقدار کمتری اجناس مصرفی با دوام (که عمدتا توسط ورژوازی بزرگ تولید میشود) میتوانند بخرند و بنابر این بورژوازی بزرگ متضرر میشود (علاوه بر ضرری که مستقیما از ازدیاد مزد کارگران میرد). اگر مزد کارگران پائین نگاه داشته شود د فروش اجناس مصرفی استهلاکی کمتر میشود و خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط که تولید کنندگان آند متضرر میشوند و این برای رژیم عواقب اجتماعی خطرناکی را خواهد داشت. سیاست های مختلف مالی دولت، گاهی در این جهت و گاه در آن جهت مجبور به چرخش است. ولی اگر راهی برای ازدیاد صادرات یافت شود دولت میتواند بازار خارجی را بخدمت حل این نوسانات بگیرد و از آن در جهت ارضای اقشار مختلف بورژوازی و علیه ازدیاد مزد کارگران استفاده کند. این سیاست دقیقا با کمک امپریالیسم

پیروز باد خلق فلسطین پیشقراول انقلاب مردم خاور میانه

بدین ترتیب میبینیم که چگونه ایران نه تنها بصورت خون ریخته امپریالیسم درآ مده است ، بلکه امپریالیسم از آن عنوان پایگاهی برای بازار یابی و توسعه نفوذ اقتصادی و نظامی بصورت دستیار دون پایه خود استفاده می کند . و در اینجا است که پوچی ادعای کسانی که سالهاست نزدیکی باره ای از دول به ایران را مانع غلطیدن کامل ایران به دامان امپریالیسم می شمارند ، روشن میشود . اقدامی که طرح امپریالیسم را در مورد ایران نقش

بر آب میکند مبارزه بی امان با اوست و نه جلب

محبت او . و این راه را فرزندان برومند خلق ما یافته

اند و اینست که ما درود بی پایان خود را نثار راه قهرمانان و شهیدان عزیز می کنیم که همه این نکات را بچشم باز دیدند و خاموش نشنستند و برای مبارزه با آن جان فدا کردند ، می کنیم .

ما به خلق خود ایمان داریم . به مبارزه اش ، به مقاومتش و به پیرویش . اگر ویتنام قهرمان امپریالیسم را به زانو در آورد ، خلق ما حساب آنهایی که هوس خرده امپریالیست شدن را داندند خواهد رسید . آن روز روزی که کارگران همین کارخانه های وابسته روزی که دهقانان قربانی همین انقلاب سفید ها دست در دست مبارزین همین خلق هائی که شاه برایشان شاخ و شانه میکشد بر گور ارتجاع پایکوبی کنند ، دور نیست و دور مباد !

نگاهی به . . .

بقیه از صفحه ۴

۳ سال	شیراز	کاظم حق شناس
۳ سال	شیراز	غلامعلی مصباح
۳ سال	شیراز	عادل بکتسا
۳ سال	شیراز	حسین خسرو شاهی
		سید محمد علی ابراهیم زاده
۲ سال	شیراز	گنجی
۲ سال	شیراز	لطف الله میثمی
۵ سال	شیراز	عباس داوری
ابد	مشهد	کاظم شفیعیها
ابد	مشهد	احمد حنیف نژاد
ابد	مشهد	محمد صادق دربندی
ابد	مشهد	علیرضا تشید
ابد	مشهد	بهمن بازرگانی
ابد	مشهد	محمد سیدی کاشانی
۱۰ سال	مشهد	حسین راهی
۱۰ سال	مشهد	مهدی فیروزیان
۸ سال	مشهد	محمود احمدی
۷ سال	مشهد	مهدی ابریشمی
۶ سال	مشهد	مرتضی آلابوش
۶ سال	مشهد	محمد حیاتی
۴ سال	مشهد	تقی واحدی
۴ سال	مشهد	مهدی محصل
۳ سال	مشهد	محمد صادق
۲ سال	مشهد	باقر باقری نژاد
۲ سال	مشهد	نصرالله اسمعیل زاده
	مشهد	مسئول
	مشهد	افشار
	مشهد	حسینعلی طاهر زاده
	سمنندج	بروین یعقوبی
	ساری	محمد تقی شهرام
		ستار کیانی
		کاظم ذوالانوار
		مصطفی خوشدل
		ذوالفقون
		نعمت الله محسن خوشدل

گرفتن تنگه هرمز ، اشغال نظامی جزایر سه گانه و نیز اعزام قوا به ظفار مطالبی نوشتیم . اخیرا دولت ایران و سلطان قابوس هم به وجود سربازان و افسران و تجهیزات نظامی ایران برای مبارزه با خلق قهرمان ظفار اعتراف کردند . این اقدام و نیز اشغال نیمه رسمی اخیر جزیره ام الفلم ، دقیقا همان چیزی است که از قبل پیش بینی میشد یعنی بعده گرفتن نقش جلادی برای امپریالیسم . فروش ۳ بلیون دلار اسلحه به ایران (مطابق گزارش کمیته خدمات نظامی سنای امریکا - مقامات پنتاگون قبلا این را ۲ بلیون دلار ذکر کرده بودند) نیز در همین جهت است . این رقم سرسام آور نشانه نیاز مبرم هر دو رژیم به پیشبرد طرح مذکوره است . در پرتو بحث بالا ، دلایل عمده این اقدام را میتوانیم بصورت زیر مشخص کنیم .

۱ - سرکوبی جنبش خلق ایران و خلق های خاورمیانه نه تنها در عمل بلکه بوجود آوردن نیروئی که مردم را از ترس ، وادار به قیام نکند .

۲ - کمک به تصحیح عدم توازن برد اختیاری امریکا . حتی سخنگوی پنتاگون نیز در این مورد ابراز خشنودی نمود .

۳ - حمایت از مونوپول های مجتمع نظامی صنعتی امریکا ، یعنی سازندگان کالای مرگ که با شکست امریکا در ویتنام وید کردن اسلحه ها ، مشتری تازه می خواهند .

۴ - حمایت از دوستان امپریالیسم . شاه با ارسال فانتوم به ویتنام برای به آتش کشیدن خلق ویتنام ، با کمک به اسرائیل در جنگ ۶۷ ، با کمک به اردن جنگ ۷۰ ، با کمک به پاکستان در جنگ ۷۱ ، با اعزام قوا به ظفار و بالاخره با مستحکم کردن روابط خود با پاکستان و ترکیه در پیمان سنسو ، نشان داده است که نوکر گوش بفروشی است که امپریالیسم میتواند در جنگهای آتیه وهرجا که نخواهد مستقیما گیر شود ، از او استفاده کند .

۵ - معامله با کمپانی های نفتی و صاحبان صنایع امریکا . شاه مکررا در نطق های خود در امریکا و انگلستان بدون ذره ای شرم اظهار داشت که تا دینار آخر درآمد اضافی نفت را در کشورهای آنها خرج خواهد کرد . غارت بی حساب منابع نفتی ایران ، درآمد بیشتری نصیب ایران کرده است و او میخواهد که وعده وفا کند . شاه با تمام گستاخی هایش ، پس از و پیروز ، شدن بر کمپانی ها ادعا کرد که از این پس درآمد ایران از هر بشکه نفت کمتر از سایر کشورهای خلیج فارس نخواهد بود . عبارت دیگر اعتراف کرد که تا بحال کمتر بوده است . و تازه باید صدآفرین گفت که پس از ۲۰ سال که از ملی شدن صنایع نفت میگذرد تازه میخواهیم برسیم به پای قطر و کویت !

۶ - جلوگیری از بحران اقتصادی داخلی . خرید ۳ بلیون دلار اسلحه ، تقریبا معادل همین مقدار خرج در داخل کشور برای امورنی آن دارد . این خرج زیاد دولت در مورد باصلاح کالای مردم ، یعنی چیزی که تولید محصول قابل مصرف برای مردم نمیکند ، بعنوان اقدامی برای جلوگیری یا خروج از بحران اقتصادی بکار میرود . در کشورهایی که قدری حساب و کتاب بیشتری دارند ، معرولا در چنین مواقعی دولت شروع به ساختن جاده های وسیع و اقداماتی از این قبیل میکند . ولی شاه ترجیح میدهد تاسیسات نظامی را گسترش دهد .

۷ - جلب بیشتر کادری های بالای ارتش . خرج بیشتر برای توسعه ارتش ، هم از نظر ازدیاد و برسیژ ، و قدرت و هم از نقطه نظر مالی ، مورد علاقه شدید فرماندهان ارتش است . یعنی ایمن فرماندهان که پیوند ناگسستنی با بورژوازی دارند از دو جهت حمایت میشوند . هم از طریق تقویت بورژوازی وهم توسط ازدیاد درآمد مالی مستقیم و بهره برداری از خرج برای ارتش .

در ایران اجرا شد علاوه بر ازدیاد فوق العاده صادرات به کشورهای نظیر افغانستان و شیخ نشین ها (که بعلت فقر شدید بازار های محدودی هستند) بازار بسیار مناسبی برای اجناس مصرفی استهلاکی ایران در شوروی پیدا شد صادر کننده ها با توافق دولت برای فروش هرچه بیشتر ، قیمت کالاهای صادراتی به شوروی را فوق العاده پائین آوردند (برای مثال کفش ملی چفتی ۱۰ تومان به شوروی فروخته میشود در حالیکه در بازار ایران بیش از ۴۰ - ۵۰ تومان است) . متاسفانه سیاستی که دولت شوروی برای ازدیاد واردات از ایران پیش گرفت علاوه بر خرید محصول کارگر ایرانی به بهای بسیار نازل ، بزرگترین کمک ممکنه در جهت تعدیل نوسانات اقتصادی کشور و راضی نگاه داشتن افکار مختلف بورژوازی و بنابر این امکان بیشتر آنها در پائین نگاه داشتن سطح دستمزد کارگران و تنسر سیدن از کوچک شدن بازار داخلی را کرد .

دولت با سرمایه گذاریهای وسیع خود ، خدمت سه گله ای به سرمایه داری خصوصی انجام میدهد . اول با سرمایه گذاری در انفرآ استروکتور هما نظور که گفته شد زمینه بهره برداری بی دردسر سرمایه داران بزرگ خصوصی داخلی و خارجی را فراهم میکند ، ثابا سرمایه داری متوسط و کوچک که از پول خرج کردن دولت متمتع میشوند قابلیت بیشتری برای خرید اجناس مصرفی مداوم پیدا میکنند و سرمایه داری بزرگ که مولد آنهاست از این طریق نیز بهره مند میشود ثالثا با سرمایه گذاری در رشته هایی که سودآوری آنها در ابتدا مورد تردید است و سپس واگذاری آنها به سرمایه داران خصوصی پس از کسب اطمینان از سودآوری نقش پیشقراول سرمایه داران را بازی میکند . (دولت سرمایه گذاری دولتی را چیزی بدون ارتباط با سرمایه گذاری خصوصی و حتی چیزی مقابل آن وانمود میکند و از دولت بدتر کسانی مانند پارساژاد و لاشائی ها پیدا میشوند که شیادانه آنرا اقدام سوسیالیستی ! میخوانند .)

نکته دیگر توسعه سرمایه مالی است . بانک های متعددی که در جوار صنایع در سالهای گذشته در ایران تاسیس شده نشانه وسعت این میدان است (نقش بانکها ، رابطه آنها با صنایع و جهت دادن به آنها در بحث دیگری می آید) . در عرض همین چند ماه گذشته ، دو بانک عظیم با سرمایه ۵ میلیارد ریال و ۳ میلیارد ریال (بترتیب بانک شهریار و بانک صنایع با سرمایه اقلتانیان ها و ثابت پاسال ها و بسیاری از صاحبان صنایع) تاسیس شده است که حکایت از وسعت برنامه های آنان میکنند .

سرمایه خارجی که همیشه بر روی زمینه مطمئن حرکت میکند ابتدا به تدریج و سپس بسرعت یورش آورد . این سرمایه ها اکثرا با شرکت مشتاقانه سرمایه داخلی کار میکنند . از نظر سرمایه دار خارجی ، شرکت با سرمایه دار داخلی امکان دسترسی به بازار و امکانات داخلی دیگر را بیشتر میکند و از نظر سرمایه دار داخلی ، وجود سرمایه خارجی علاوه بر دادن تامین و اطمینان ، وصول به بازار خارجی را تسهیل میکند . طبیعی است نه تنها سرمایه دار داخلی ای که مستقیما با خارجی شریک است مشتاق نفوذ و افزون خارجی و سرمایه گذاری بیشتر است بلکه سرمایه داری هم که مستقیما شریک نیست از بسط بازار بنا بر نقشه امپریالیسم بهره میبرد . بنابر این تصور وجود و رزرواری ملی در ایران بصورت یک فتنه و تصوری باطل و مبتنی بر عدم تشخیص بگانه شدن سرمایه داخلی و خارجی ، و جهانی شدن آن است .

از نقطه نظر نظامی نیز قبلا در مورد اقدامات ایران در جهت اجرای نقش خرده امپریالیستی ماحول به او از طرف امپریالیسم ، نوشته ایم مهفدا لازم است اشاره ای به وقایع اخیر کنیم . در شماره های گذشته در مورد تحت کنترل

ظفر مند باد جنک عادلانه خلق

نگاهی به آنچه در ایران میگذرد

از مجاهدین خلق ایران

و محدودیتهای آن در امر ملاقات و کتاب و رادیو اعتراض کردند. کلیه کسانی را که اعتراض کرده بودند تبعید کردند. باینصورت که در یک روز بدون اطلاع قبلی سوار ماشینهای ارتشی کرده عدهای را به شیراز و عدهای را بمشهد تبعید کردند. در زندان مشهد ملاقات تنها برای پدر و مادر آزاد است. و کسان دیگر از قبیل برادر و خواهر حق ملاقات ندارد. ملاقات بوسیله تلفنهای انجام میشود که گفته میشود از مرکز تحت کنترل است. ملاقات کنندگان در دو طرف دیوار شیشه‌ای از طریق تلفن صحبت میکنند. در اینجا اسامی عدهای از رفقای زندانی را با توجه بملک محکومیت و محل زندان ذکر میکنیم:

اسامی	محل زندان	محکومیت
جلیل سیداحمدیان	تهران	ابد
مسعود رجوی	تهران	ابد
مسعود اسمعیل‌خانی	تهران	ابد
رضا باکری	تهران	ابد
موسی نصیراوغلی خیابانی	تهران	ابد
محمود عطائی	تهران	ابد
محمد محمدی	تهران	۱۵ سال
حبیب مکرم دوست دلخواه	تهران	۱۵ سال
سلیمان قارسی	تهران	۷ سال
دکتر سید احمد طباطبائی	تهران	۲ سال
حمید بهرامی	تهران	۲ سال
مهدی خدائی‌صفت	تهران	۳ سال
فرهاد صفا	تهران	۳ سال
حسن کبیری	تهران	۵ سال
سید محمد مصباح یزدی	تهران	
محمد رضا سعادت	تهران	
ناهید جلالی زاده		
حمید جلالی زاده		

دو نفر اخیر - ناهید و حمید با مهدی رضائی شهید دستگیر شدند و با مهدی زندگی میکردند.

عبدالنبی معظمی	شیراز	ابد
ابراهیم آوخ	شیراز	ابد
فتح‌الله خامنه‌ای	شیراز	ابد
مهدی برداران خسروشاهی	شیراز	ابد
عزت‌الله سحابی	شیراز	۱۱ سال
علی محمد تشید	شیراز	۱۰ سال
حسین مدنی	شیراز	۱۰ سال
علی بهمن‌پور	شیراز	۱۰ سال
کریم تسلیمی	شیراز	۱۰ سال
منصور بازرگان	شیراز	۱۰ سال
علیرضا زمردیان	شیراز	۱۰ سال
حسین شیخ باقر قاضی	شیراز	۶ سال
محمد علی رحمانی	شیراز	۶ سال
عبدالله محسن	شیراز	۶ سال
دکتر محمد میلانی	شیراز	۴ سال
محمد رضا شمس	شیراز	۳ سال
زین‌الدین حقانی	شیراز	۳ سال
حسین محصل	شیراز	۳ سال
محمد اکبر آهنگر	شیراز	۳ سال
کامران نغمی	شیراز	۳ سال

بقیه در صفحه ۲

گرفتن گذرنامه بانجا رفته اند، الان مرکز کمیته است. وزیر زمین بایگانی اسناد گذرنامه اکنون تبدیل بزندان مطلقا تاریخ کمیته شده است که هیچ روزنه ای بخارج ندارد. علت انتخاب این محل مرکزیت آنست. وقتی چریکی اسیر شد و با عملیات علیه انقلابیون تداوم دیده میشود، بعلت نزدیکی هرگوشه تهران بر مرکز شهر سرعت کارشان اضافه میشود. در حالیکه اولین اصولا زمستانها قبایل عبور نبود و یخ‌زدان بود. کمیته ترکیبی است از عناصر ساواک و شهربانی که در کمیته و در گشتی‌ها می‌نشینند. افسرانی که سابقا مأمور مبارزه با مواد مخدر بودند چون قاچاق مواد مخدر کاملا مخصوص دربار شده است، الان نقش جنایتکارترین عناصر را بازی میکنند و بروی بهترین جوانان میهن ماگلوله می‌بندند. دو تن از شهربانی و دو تن از ساواک شرنشینان کمیته هستند. کماندوهای ساواک بیشتر از چتر بازان هستند. این افراد در ماشینهای آریا، بنز، پیکان و اوپل نشسته و در نقاط مختلف تهران و البته بیشتر در جنوب شهر، به گشت می‌پردازند. کافی است کسی بسته‌ای بدست داشته باشد یا بانها نگاه چپ کند تا مورد سوء ظن آنها قرار گیرد.

روزانه دهها نفر را بعلت شک ظاهری دستگیر میکنند و بعدا متوجه میشوند که اشتباه کرده‌اند. مردم را بعداب آورده‌اند. ساواک وقتی که ردپایی از انقلابیون ندارد، مذبح‌حانه‌ها تلاش میکند که این رد پا را از میان دوستداران جنبش و از بین دانشجویان بدست آورد. رژیم برای دستگیری رفقا بخانواده‌ها خیلی فشار می‌آورد. مثلا آنها را از کار و زندگی انداخته در ماشین می‌نشانند و در خیابانها میگرداند. نقشه‌های متعددی برای بدست آوردن رد پا کشیده است که باید آنها را افشاء کرد. از جمله تحت عنوان جمع آوری پول برای مجاهدین باشخاص مراجعه میکنند و در پی ردپا هستند. و با عدهای از کسانی که تن بخیانند داده‌اند راه افتاده باسم انقلابیون با افراد مستعد تماس گرفته و سعی دارند آنها را بسدام بیاندازند.

رفقای هستند که در برخورد مسلحانه با پلیس مجروح و دستگیر شده‌اند. اینها را طبق روشی که دارند سرانجام اعدام خواهند کرد. یکی از این رفقا کاظم ذوالانوار مهندس کشاورزی و اهل شیراز است که در برخورد مسلحانه چهارراه چشمه مجروح و دستگیر شده است و هم اکنون در اسارت است. و در انتظار شهادت بسر میبرد. بجاست که از مقاومت بسیار شجاعانه وی نظر او در اینجا یاد کنیم. او را یک سمپات سست عنصر در سر قرار لو داده بود و مورد اصابت گلوله‌های مسلسل دشمن قرار میگرفت و بشدت مجروح میشد و مدتی تحت عمل جراحی قرار میگرفت ولی در همان حال او را بشدت شکنجه کرده و دلد لیکن از او هیچ اطلاع اضافی بدست نمی‌آوردند. او پس از ساعت مقرر خانه جمعی را که تخلیه شده بود لو داد که بدست پلیس چیری نیفتاد. کاظم دائما بطرف ساواکیها پرخاش و هجوم میبرد و همین موجب شده است که اکنون دست و پایش را به تخت زنجیر کرده‌اند.

دربین رفقای اسیر همه از یک شیرازی صحبت میکنند که ساواک را عاجز کرده است و حتی تا مدتها اسم خودش را نگفته است. سه ماه پیش رفقا در زندان بشرايط زندان

فشار و خفقان بسیار فراوان و محسوس شدت پلیسی است. دستگاههای جهنی تبلیغاتی که الان سراسر کشور را با سیستمهای میکرو ویسو و تلویزیون و... پوشانده‌اند گوششها و کسر میکنند. رژیم بیک بسیج همه‌جانبه فرهنگی - پلیسی علیه جنبش جوان ما دست زده است. بچه‌ها حتی از دوران کودکیستان پرور باید کلاس بحثهای سیاسی که باصلاح میهنی و در حقیقت شاهی است داشته باشند. برنامه آموزش دانش آموزان تا دانشگاه همه تغییر خواهد کرد. و در آنها اصرار روی آموزشهای باصلاح میهنی خواهد افتاد. خلاصه رژیم با بهره گیری از تجارب امپریالیسم بدست و با افتاده است. از طرف دیگر جنبش مسی پالد و زشد میکند. تظاهرات دانشجویان خشن تر و اعتقاد بمبارزه مسلحانه محکمتر و افرادی که دست اندر کارند مصممت تر اند. و دیگر بختی از نظم خواهی و موش مردمگی در مقابل دشمن نیست. و کسی از رفقا نیست که حاضر باشد بدون سلاح در خیابان حرکت کند. و بخدا اگر مصالح دیگری ايجاب نمیکرد نمیشد جلوی این رفقا را گرفت که در هر کجا حمله بدشمن حمله نکنند. رفقای عاصی و جسور و بی باک و مصمم.

و جدت در میان انقلابیون مستحکمتر میشود و رفاقت بیشتر. محافل جدید زیادی بطور مخفی با مشی و اعتقاد بمبارزه مسلحانه بکار رو آورده‌اند. که گرچه در ابتدا کم تجربگی آنها باعث ضربانی میشود ولی سرما کسب تجربه میکنند ساواک بشدت سرش شلوغ است و فرصت سر خاراندن ندارد. نه تنها ساواک بلکه همه دستگاههای پلیس دشمن بشدت مشغولند و از دست چریک عاصی. برآستی وقتیکه دشمن طی دو سال همه تلاش خود را بخرج دهد و نتواند ما را ناود کند چگونه خواهد توانست چریک را با یکی دو ساله تجربه نابود کند؟ نخواهد توانست. ولی در عین حال همه اینها مشروط بزمانیست که ما همه تجارب خودمانرا دقیقا بکسار بندیم و خوش خیالی نکنیم. اما حالا دیگر جنبش نطفه نیست نهال است. نهالیکه در سخت ترین زمینها و شرایط رشد کرده است. بدون شک در هوای ملایمتر و زمین آماده تر بیکبار خواهد شکفت و خواهد بالید. باید آرزو.

دیگر از حمله بخانه‌های تیمی و زد و خورد های مسلحانه ایکه در این خله‌ها رخ میداد و شهید میگرفت خبری نیست. چرا؟ چون چریک با تجربه شده است. و دشمن در مقابل چریک عاجز تر است امینا است که بعد ها نیز چنین صحنه‌های غم انگیزی را شاهد نباشیم.

شکنجه‌های دشمن سبعانه تر شده است. اخیرا دستگاهی وارد کرده‌اند که میله آترا در مجرای ادرار وارد میکنند و با برق شوک میدهند. میگویند چیز دردناکی است. ولی ساواک شلاق را فراموش نکرده است. و باز هم روی آن تکیه دارد. دیگر اولین مرکز شکنجه نیست. محل سابق اداره گذرنامه که همه دانشجویان خارج از کشور حتما برای

به‌نام

نشانی پستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon

نشانی بانک
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-15393

ایران ۲ ریال
لبنان ۱۵ قروش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱۰ فلس
ترکیه ۲۰ قروش

ظفر مند باد مبارزه دانشجویان علیه رژیم دست نشانده شاه